

بغداد سقوط کرد، بحران دمکراسی آغاز میشود

در بیستم ماه جاری بغداد به اشغال نیروهای نظامی غرب درآمد. بغداد سقوط کرد. صحنه مجسمه در حال سقوط صدام در صفحه تلویزیون‌های آمریکا و جهان نقش بست. تمرکز دوربین‌ها بر این صحنه، پیروزی موتلفین دمکرات را در اذهان عمومی تحکیم کرد. تسلیم بغداد با سرعتی غیر منتظره بوقوع پیوست. ناظران و تحلیلگران سیاسی احتمالات متعددی را سبک‌وسنگین می‌کنند. این احتمالات در انبوهی از گردوغبار جنگ ضداطلاعاتی و تبلیغاتی گم گشته است.

گروهی سخن از احتمال کشته شدن صدام بر اثر اصابت بمب‌های ضد پناهگاه به اماکن مورد هدف آمریکا می‌راندند. منبع خبری چنین تحلیلی آمریکا است. روزنامه لس‌آنجلس ضمن درج این خبر سخن از تدارک آزمایش «دی ان آ» برای شناسایی جسد صدام رانده است. تاثیر جانبی انتشار چنین خبری، توجیه سقوط غیرمنتظره و تقریباً بدون مقاومت بغداد، بدلیل مرگ صدام، است. این خبر همچنین میتواند به تضعیف مقاومت پراکنده نیروهای نظامی عراق منجر شود. از سوی دیگر استفاده از بمب‌های ضد پناهگاه، برای اولین بار صورت گرفته است. این بمب ۹۰۰ کیلویی قدرت تخریبی هولناکی داشته و توسط لیزر، ماهواره و سیستم‌های داخلی هدایت میشود. دیگر هدف جانبی مطبوعات آمریکا میتواند توجیه آزمایش این بمب‌ها در عراق باشد. اخبار اغراق آمیز درباره کاخ‌ها و پناهگاه‌های بتونی صدام با هدف باز کردن راه تخریب و ویرانی بیشتر عراق است. ویرانی‌های که به قیمت کشتار هزاران انسان راه را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی جهت «بازسازی» همواری‌سازد.

تحلیل سیاسی دیگر بر احتمال تبانی میان صدام و دولت آمریکا استوار است. منبع این خبر رسانه‌های روسی و سپس برخی منابع عربی بوده است. شبکه خبری الجزیره بنقل از سازمان اطلاعات روسیه سخن از توافق پنهانی میان صدام و آمریکا برای تسلیم بغداد رانده‌اند. امکان توافق یا تبانی میان فرماندهان ارشد صدام و نیروهای نظامی آمریکا ناممکنی نیست. چنین چیزی اما در بحبوحه جنگ، مفهومی جز تسلیم نیروهای یک‌طرف درگیر ندارد. افزون بر آن، هواپیماهای جنگی آمریکا در حال پخش مدام اعلامیه بر فراز نیروهای نظامی صدام و اخلال در مخابرات آن، جهت رساندن پیام چگونگی تسلیم فرماندهان ارتش صدام بوده‌اند. جنگ روانی همراه با برتری هوایی، زمینی و تکنولوژیک، بیشک یکی از عوامل اصلی پیشروی برق‌آسای ارتش موتلفین بوده است. اما شواهد حاکی از آن است که دیکتاتور عراق با وقوف بر برتری نظامی نیروهای موتلفین، استراتژی جنگ نامنظم را گزیده است. این بدین معناست که صدام با نجات جان خود، نیروهای ویژه گارد خود را جهت مبدل ساختن جنگ کنونی به درگیری‌های شهری، یک جنگ دراز مدت، سازمان داده است.

رسانه‌های بورژوازی در حال سرپوش نهادن به جنایات جنگی هستند. از استقبال میلیونی مردم عراق از چکمه‌پوشان دمکراسی می‌گویند. اما چه کسی درنیافت که در گرداگرد مجسمه در حال سقوط صدام، همان

تصویری که قرار است سمبل پیروزی نیروهای دموکراسی باشد، جز چند صد نفر تجمع نکرده‌اند. رسانه‌های غربی با جمع‌آوری عده‌ای نظامی، خبرنگار و افراد کرایه‌ای، بر گرد مجسمه در حال سقوط یک دیکتاتور «شو دموکراسی» راه انداخته‌اند. میخواهند بر وحشت عمومی ناشی از جنگ و اشغال نظامی پرده افکنند. چه کسی منجلاب آلوده به خون و تعفن دموکراسی را در نیافت. بغداد سقوط کرد، اما دموکراسی سرمایه برنده نشد. انحصارات نظامی و کارتل‌های متکی بر بازار تولیدات مرگبار بردند، اما پارلمان‌تاریسم و دموکراسی باخت. گفته میشود یکی از سربازان آمریکایی با بالا رفتن از مجسمه صدام، پرچم آمریکا را بر روی سر مجسمه انداخت. این صحنه می‌باید بعنوان یک نماد در تاریخ ثبت شود. نماد گره خوردن پرچم دموکراسی سرمایه بر سر صدام باید در تاریخ ثبت شود. بحران عراق بعد از صدام، بحران دموکراسی خواهد بود. جنگ عراق و آمریکا تمام شد، جدال تن به تن کارگران و مردم عراق با پیام‌آوران مرگ و ویرانی آغاز خواهد شد. جنگ عراق تمام شد. بحران دموکراسی آغاز میشود.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

فروردین ۱۳۸۲

www.i-w-o.org / www.internationalistworkers.org